



سپاس پروردگاری را که برای هر آغاز، انجامی قرار داده و
بندگان را در طی طریق و نیل به سر منزل مقصد، راهنما و
حامی گشت که انجام این کار، بدون عنایت و لطف او میسر
نبوده است.

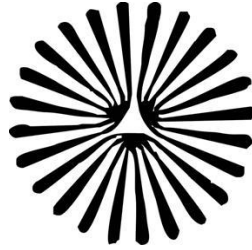
همچنین ضرورت دارد که از راهنمایها و الطاف جناب آقای دکتر یعقوبی، استاد محترم راهنما قدردانی و تشکر کنم که در حقیقت این پایان نامه مرهون زحمات ایشان می باشد. از زحمات و رهنمودهای استاد محترم مشاور، جناب آقای دکتر مهدویان نیز نهایت امتنان و سپاس را دارم. همچنین از اساتید ناظر جناب آقای دکتر کردستانی، استاد محترم راهنمای همکار، و جناب آقای دکتر دهستانی، استاد محترم مشاور همکار که قبول زحمت نموده و یاری بخش اینجانب بوده اند کمال تشکر را می نمایم. در خاتمه لازم است که از لطف و مساعدت و همکاری جناب آقای احدی معاونت محترم آموزش و پرورش استثنایی همدان و نیز مسؤولان محترم مراکز اختلالات یادگیری، سرکار خانم اسد بیگی، سرکار خانم طالبی، سرکار خانم نعمتی و جناب آقای کاظمی سپاسگزاری کنم.

تقدیم :

به وجود هورسان مادرم که گرمابخش روزهای زندگیم و امید بخش لحظات ناامیدیم بوده و به وجود ماه گونه پدرم که شبهای تاریکم را روشنی بخشیده است؛ به خواهر و برادرم که به واژگان مهر و محبت جان بخشیده اند؛ و به همه کودکانی که با حضور گرو و شور و نشاط ذاتی شان، موجب دلگرمی ام شدند و یاری ام کردند.

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی تأثیر بازی درمانی رفتاری- شناختی بر اصلاح عملکرد خواندن در دانش آموزان پسر نارساخوان پایه های دوم و سوم ابتدایی در شهر همدان انجام شد. **روش:** آزمودنیها شامل ۳۰ نفر از کودکان نارساخوان پایه های دوم و سوم ابتدایی با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و در چارچوب روش پژوهشی نیمه آزمایشی (پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل) مورد آزمایش قرار گرفتند. از این تعداد ۱۵ نفر به طور تصادفی در معرض متغیر مستقل (روشهای بازی درمانی) قرار گرفته و مابقی به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شد. پس از اجرای پیش آزمون، برای گروه آزمایشی برنامه بازی درمانی به روش رفتاری- شناختی به مدت ۱۰ جلسه (هر جلسه به مدت ۴۵ دقیقه - دو بار در هفته) مدارس ویژه این دانش آموزان اجرا شد. برای انجام پیش آزمون و پس آزمون، از آزمون نارساخوانی **نما** و برای تحلیل داده ها از آزمون های پارامتریک t و تحلیل واریانس یک راهه (ANOVA) استفاده شد. **یافته ها:** نتایج پژوهش نشان داد که بازی درمانی در اصلاح عملکرد خواندن، میزان درک متن، تشخیص کلمات هم قافیه و شناسایی آواها در دانش آموزان پسر نارساخوان مؤثر بوده اما بر توانایی تولید تعداد کلماتی که از یک مقوله می باشند، توانایی تولید تعداد کلماتی که دارای نشانه حرفی واحد می باشند و اصلاح عملکرد خواندن ناکلمات و شبه کلمات تأثیر معناداری نداشته است. **نتیجه گیری:** بنابراین بازی درمانی رفتاری- شناختی را می توان به عنوان روشی اثربخش برای اصلاح عملکرد خواندن دانش آموزان پسر نارساخوان به کار برد. واژه های کلیدی: بازی درمانی رفتاری- شناختی، نارساخوانی، اصلاح عملکرد خواندن



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی
گروه علمی روانشناسی
پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته روانشناسی
عنوان پایان نامه

تأثیر بازی درمانی رفتاری_ شناختی در اصلاح عملکرد خواندن دانش آموزان پسر نارساخوان پایه دوم و سوم

ابتدائی شهر همدان

استاد راهنمای اول

دکتر ابوالقاسم یعقوبی

استاد راهنمای همکار

دکتر داوود کردستانی

استاد مشاور

دکتر علیرضا مهدویان- دکتر دهستانی

نگارش

زهرا قیصری

بهمن ۱۳۸۹

فهرست

صفحه

فصل اول « کلیات پژوهش»	۱
مقدمه	۹
مشکل در خواندن	۱۰
بیان مسأله	۱۱
اهمیت و ضرورت انجام تحقیق	۱۲
اهداف اصلی پژوهش	۱۴
اهداف فرعی :	۱۴
فرضیه اصلی تحقیق	۱۴
فرضیه های فرعی	۱۴
تعاریف متغیرها	۱۵
تعاریف نظری :	۱۵
تعاریف عملیاتی	۱۶
فصل دوم	۱۶
مقدمه	۱۶
بازی	۱۷
ملاکهای بازی	۲۰
طبقه بندی بازیها	۲۲
طبقه بندی کارل گروس	Error! Bookmark not defined.
طبقه بندی کرا	۲۲
طبقه بندی پرز	۲۳
طبقه بندی اشترن	۲۳
طبقه بندی شارلوت بوهلر	۲۳
طبقه بندی پلژه	۲۴
گستره انواع بازی در طبقه بندی پلژه	Error! Bookmark not defined.
انواع بازی های تمرینی	Error! Bookmark not defined.
انواع بازی های رمزی	Error! Bookmark not defined.
تحول بازی ها	Error! Bookmark not defined.

دلائل بروز و زوال بازی های تمرینی.....	Error! Bookmark not defined.
دلائل بروز و زوال بازی های رمزی.....	Error! Bookmark not defined.
دلائل بروز و گسترش بازی های قاعده دار.....	Error! Bookmark not defined.
نظریه های بازی.....	۲۵
نظریه های معاصر.....	۲۵
نظریه روان تحلیل گری.....	۲۵
رویکرد شناختی - رشدی در زمینه بازی.....	۲۶
بازی درمانی.....	۳۰
اختلالات یادگیری.....	۳۴
طبقه بندی ناتوانی های ویژه یادگیری:.....	۳۵
خواندن.....	۳۶
فرضیه مسری دو گانه (کتس و کامی، ۲۰۰۵):.....	۳۷
مهارتهای مؤثر در رشد خواندن.....	۳۸
نارساخوانی.....	۳۹
فراوانی.....	۴۱
نشانه های بالینی.....	۴۳
اشتباههای متمایز کننده و خاص.....	۴۳
اشتباهها در سطح خواندن.....	۴۳
وئ گنجا و ضوابط تشخیصی اختلال خواندن بر اساس DSM IV.....	۴۵
اختلال خواندن در چهارچوب اختلال های یادگیری.....	۴۵
توصیف اختلال خواندن بر اساس DSM IV.....	۴۶
نظریه های ارائه شده درباره علل مشکلات ویژه یادگیری.....	۴۶
عوامل ارثی.....	۴۷
عوامل محیطی.....	۴۷
نظریه های آسیب مغزی ، بد شکلی یا نقص عملکرد مغز و تأخیر بلوغ.....	۵۰
نظریه آسیب مغزی غیرقابل کشف.....	۵۰
بد شکلی جزئی مغز.....	۵۱
نظریه نقص جزئی در عملکرد مغز.....	۵۱
نظریه غالب نبودن یکی از نیمکره های مغزی.....	۵۲
روشهای عمده شناسایی و تشخیص.....	۵۳
۱. روش مشاهده.....	۵۴

۵۴	۲. روش مصاحبه
۵۴	برش نگاری رایانه ای مغز افراد نارساخوان
۵۴	ساختار مغزی متفاوت افراد نارساخوان و عادی
۵۵	تفاوت های عملکردی مغز افراد نارساخوان و افراد عادی
۵۶	۳. روش استفاده از آزمونهای روانی
Error! Bookmark not defined.	
	مفاهیم و واژه های کلیدی
۵۷	گستره نظری پژوهش
۵۷	آموزش حسی
۵۷	دیدگاههای طبی و آموزشی در نارساخوانی
۵۸	استفاده از بازی های آموزشی
۵۹	پژوهشهای انجام شده
Error! Bookmark not defined.	
در جهان:	
Error! Bookmark not defined.	
در ایران:	
۶۳	فصل سوم «روش پژوهش»
۶۳	طرح پژوهش:
۶۵	جامعه مورد بررسی:
۶۵	حجم و روش نمونه گیری:
۶۶	روش و ابزار گردآوری اطلاعات:
۶۶	نسخه ایرانی آزمون نارساخوانی نما
۶۹	روش اجرای تحقیق
۷۳	تحلیل آماری:
۷۴	فصل چهارم «گفته های پژوهش»
۷۴	گفته های پژوهش
۷۴	الف) توصیف داده ها
۷۶	فرضیه شماره یک:
۷۸	فرضیه شماره دو:
۸۰	فرضیه شماره سه:
۸۱	فرضیه شماره چهار:
۸۳	فرضیه شماره پنج:
۸۵	فرضیه شماره شش:
۸۸	فرضیه شماره هشت:

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری	۹۰
مقدمه	۹۰
۱-۵ بحث:	۹۰
تبیین فرضیه شماره پنج:	۹۳
تبیین فرضیه شماره شش:	۹۳
تبیین فرضیه شماره هفت:	۹۴
تبیین فرضیه شماره هشت:	۹۵
محدودیت های تحقیق:	۹۵
منابع فارسی	۹۷

یکی از شرایط اصلی توفیق در جامعه امروزی برخورداری از توانائی خواندن است. بخش اعظم اطلاعات از طریق این مهارت کسب می شود. به رغم اهمیتی که مهارت خواندن دارد، فقط در سی سال اخیر است که موضوع تحقیقاتی جدی در روان شناسی تجربی قرار گرفته است. گرچه در اواخر سده نوزدهم که نخستین گامها در حوزه روان شناسی شناختی برداشته شد، توجه زیادی به فرایند خواندن به عنوان یکی از مهارتهای مرتبط با ذهن و حافظه شد، اما نهضت رفتارگرایی موجب توقف تحقیق در فرآیندهای شناختی دخیل در فرآیند خواندن شد تا اینکه حدود سال ۱۹۷۰ خواندن باز یکی از کانون های توجه روان شناسی قرار گرفت. از آن تاریخ تا کنون انبوهی مقاله و کتاب در موضوع خواندن به رشته تحریر درآمده و کار همچنان ادامه دارد. حق هم همین است زیرا همانگونه که اشاره رفت، خواندن وسیله انتقال بیشترین اطلاعات درباره حال و گذشته است. (کیث رینر، الکساندر پولاجیک^۱، ۱۹۸۹). همچنین مشکلات خواندن، شاید بیش از سایر مشکلات اختصاصی یادگیری، در حوزه های گوناگون مانع پیشرفت تحصیلی گردد، زیرا خواندن راه دستیابی به دامنه گسترده ای از اطلاعات است. عدم موفقیت کودک در یادگیری خواندن در سالهای اولیه مدرسه، او را به طور مؤثری از دیگر مواد برنامه درسی بازمی دارد. به عنوان مثال مسائل ریاضی در برنامه درسی بیشتر از طریق نوشته ارائه می شوند. اگر کودکی دارای مشکلات خواندن باشد، احتمال زیادی وجود دارد که این امر مانع از پیشرفت ریاضی او گردد. در واقع مشکلات خواندن و ریاضی در موارد زیادی همراه یکدیگر وجود دارند) راتر^۲ و همکاران، ۱۹۷۰).

علاوه بر این، مشکلات خواندن بر فراگیری اطلاعات خارج از برنامه درسی نیز اثر معکوس می گذارند. این امر به نوبه خود بر درک مطلب تأثیری منفی می گذارد، زیرا درک مطلب به طرز قابل ملاحظه ای بر اطلاعات عمومی افراد مبتنی است. (بوتکوفسکی و ویلوز^۳، ۱۹۸۰).

هیچ راه سریع و آسانی، برای مقابله با مشکلات ویژه یادگیری وجود ندارد. با این وصف اگر تدابیری مطابق قواعد مربوطه به کار گرفته شود، سرانجام نتیجه مطلوب حاصل می گردد. وقتی هیچ درمان مؤثری برای یک ناراحتی وجود نداشت، تعداد زیادی درمان قابل تردید ارائه می شود. وجود درمانهای متعدد، معمولاً نمایانگر این است که یک نوع درمان مؤثر نبوده است. یک درمان مؤثر، می تواند به سرعت جایگزین سایر درمانها گردد. از جمله این درمانها می توان به درمان ترکیب احساس، روش دومان دالاکتو (الگو دادن)^۴، تمرین دید، تقویت برتری جانبی مغز، استفاده از داروها، روش تغییر رفتار و غیره اشاره کرد. اما یکی از روشهای درمانگری متمرکز بر کودک «بازی درمانگری»^۵ است که روانشناسان و پژوهشگران متعددی طی چندین دهه از آن برای درمان طیف وسیعی از اختلالات و مشکلات بهره جسته اند و اثر بخشی آن را به اثبات رسانده اند. (براتون، ری، رینر و جونز، ۲۰۰۵). بازی درمانگری، روش خاص درمانگری کودکان است که نسبت

1 Kith reiner & Alexander pullachic

¹Rutter

²Butkowsky and Willows

³Doman – Dalacto method (patterning)

⁴Play therapy

⁵Bratton SC, Ray D, RhineT, Joens L

به سایر روش ها، امتیازهای برجسته ای دارد. نخست آنکه وسیله بیان و ارتباط در کودک است و به اعتقاد برخی از پژوهشگران بخش مهمی از هر فرآیند درمانگری در کودکان را تشکیل می دهد. (واتسون^۱، ۲۰۰۷؛ استرومونت^۲، ۲۰۰۲). به بیان دیگر کودکان بر خلاف بزرگسالان، در فرایندهای ثانویه تفکر و کلامی سازی بیش از آنکه بتوانند مسائل شان را «به زبان بیاورند»، «به بازی در می آورند» (رنی، ۲۰۰۰)^۳.

دوم اینکه در این روش که اساساً مورد توجه و استقبال کودکان نیز قرار می گیرد، امکان بررسی دقیق و فردی شده الگوهای رفتاری کودک و پرداختن به تمامی جنبه های مشکل فراهم می شود. کودک نیاز به حرکت و جنبش دارد و بازی بخش مهمی از این نیاز است. هر فرد برای رشد ذهنی و اجتماعی خود نیازمند اندیشه و تفکر است و بازی خمیر مایه این تفکر و اندیشه است. آمادگی جسمی و روحی برای مقابله با مشکلات قسمت دیگری از فلسفه بازی کودکان است. بنابراین هر چه بازی گسترده تر، پیچیده تر و اجتماعی تر باشد کودک از مصونیت روانی بیشتری برخوردار می شود. کشف دنیای اطراف بخش دیگری از فلسفه بازی است که کودک حس کنجکاوی خود را از این طریق ارضا می کند. بازی تن و روان کودک را ایمنی می بخشد و او را برای به عهده گرفتن مسؤولیت های زندگی آماده می سازد. کودک با بازی موقعیتی به دست می آورد تا اعتقادات، احساسات و مشکلات خود را ابراز کند و مهارتهای زندگی را بیاموزد. بدون تردید بازی بهترین شکل فعالیت طبیعی هر کودک محسوب می شود (دادستان، بیات، عسگری؛ ۱۳۸۸).

مشکل در خواندن

خواندن دربرگیرنده مجموعه پیچیده ای از مهارتهاست که باز شناسی لغات نوشته شده، تعیین معنای لغات و عبارات، و هماهنگی ساختن این معنا با موضوع کلی متن را شامل می شود. این کار مستلزم فرایندهایی است که در سطوح بسیار مختلف بازنمایی از قبیل حروف، کلمات، عبارات، جملات و واحدهای بزرگتر متن، عمل می کنند. مشکلات خواندن نوعاً شامل عدم توانایی در باز شناسی یا درک نوشته ها هستند. در این میان، باز شناسی فرایند بنیادی تری محسوب می گردد، چرا که پیش از آنکه کلمه ای را درک کنیم باید آنرا تشخیص دهیم. مشکلات درک مطلب معمولاً فقط در سطح کلمات وجود ندارند، بلکه در سطح عبارات، جملات و به هم پیوستن اطلاعاتی که در جمله آمده، نیز وجود دارند. (اوک هیل و گارن هم^۴، ۱۹۸۸).

تأخیر در رشد سیستم عصبی مرکزی یا آسیبهای مغزی اکثراً به عنوان علت عدم توانایی در خواندن ذکر می شود. صدمه به مراکز مغز که کنترل تکلم، شنوایی و بینایی را بعهده دارند نیز می تواند نارساخوانی را بوجود آورد.

دیس لکسی^۵ یا نارساخوانی اصطلاحی است که برای کودکانی که علی رغم هوش طبیعی قادر به خواندن نیستند بکار می رود. این گروه از کودکان ممکن است واژه های بسیاری را بدانند و به راحتی آنها را در مکالمه بکار بگیرند، اما قادر به درک و شناسایی نوشته های نوشتنی یا چاپی نیستند. برخی از این کودکان حتی می توانند واژه ها را بخوانند اما مفهوم آنها را نمی فهمند این حالت را اصطلاحاً هیپر لکسی^۶ می نامند. معلمان و مسؤولان

^۱Watson DL

^۲Stromont M

^۳Rennie RL

^۴Oakhill and garnham

^۵Dyslexia

^۶Hyperlexia

آموزش و پرورش بعثت عدم آگاهی از مشکلات ویژه این گروه از کودکان معمولاً آنان را در شمار عقب ماندگفت ذهنی رده بندی می کنند و یا به عنوان کودکان تنبلی که کوشش برای یادگیری نمی کنند، می شناسند (نادری، سیف نراقی، ۱۳۸۴).

گاهی دشواریهای خواندن این کودکان با مشکل هجی کردن نیز همراه است. توانایی خواندن و هجی کردن با اینکه با هم ارتباط نزدیک دارند، اما یکی نیستند و ممکن است هر کدام جداگانه وجود داشته باشند. گاهی اوقات به علت فشارهای محیطی و عدم درک اطرافیان از تواناییهای خاص این دسته از کودکان، مشکلات عاطفی و روانی و رفتاری نیز بر مشکلاتشان افزوده می شود.

کودکان نارساخوان اکثراً مشکلاتی در جهت یابی فضایی، تشخیص راست و چپ، بالا و پائین، توالی حروف و کلمات، هماهنگی بین چشم و دست، ارتباط بین اعضای بدن خود و دیگران دارند. تقریباً ۸۰ درصد از دانش آموزان ناتوان در یادگیری در خواندن مشکل دارند. آنها مشکلاتی در یادگیری رمزگشایی لغات، مهارتهای پایه ای شناسایی لغات و درک مطلب خواندن دارند. (لرنر، ۱۹۹۴).

مشکلات اختصاصی خواندن این کودکان به شرح زیر است:

الف. اشتباه کردن کلمات شبیه به هم مانند غاز و غار، چای و جای؛

ب. حدس زدن کلمات با در نظر گرفتن حروف ابتدا و انتهای کلمات؛

ج. آئینه خوانی یا وارونه خوانی کلمات مانند روز بجای زور؛

د. مشکلات شدید در هجی کردن کلمات؛

ه. بی میلی و انزجار از یادگیری خواندن؛

و. دشواری در تشخیص جزء از کل. (نادری، سیف نراقی، ۱۳۸۴).

بیان مسأله

یکی از اختلالهای یادگیری شایع در بین دانش آموزان، اختلال در خواندن است. اینکه چرا برخی از افراد به این اختلال مبتلا می شوند، دلایل متعددی دارد از جمله: عوامل ژنتیکی، عوامل محیطی، اختلال های حافظه بصری، ضعف مهارتهای حرکتی، ضعف حافظه بینایی و شنوایی، و... ..

برای اصلاح عملکرد خواندن دانش آموزان نارساخوان، با توجه به مشکلات کودکان مبتلا به این اختلال روشهای متنوعی ارائه شده است؛ از جمله این روشها می توان به آموزشهای فوق برنامه کلاسی توسط معلمان خصوصی، روش چند حسی فرنالد، استفاده از وسیله آموزشی سینا (که هدف آن آموزش خواندن، هجی کردن و در نهایت نوشتن به کودکانی است که اختلالات یادگیری دارند). و.. است.

برخی از دانشمندان عقیده دارند که رشد متعادل توانایی های حرکتی، اساس یادگیری های بعدی را تشکیل می دهد. تعدادی از کودکان با اختلالات ویژه یادگیری، علی رغم هوش طبیعی از نظر رشد حرکتی بسیار کندتر از کودکان عادی هستند به گونه ای که اصلاح دشواریهای حرکتی آنان قبل از شروع آموزش مهارتهای دیگر کاملاً ضروری است. مشکلات حرکتی کودک ممکن است در توانایی های حرکتی مربوط به عضلات بزرگ مانند: چهار دست و پا رفتن، پریدن، دویدن، لی لی کردن و پرتاب کردن و... باشد و یا ممکن است در توانایی

های حرکتی مربوط به عضلات ظریف مانند: سوزن نخ کردن، قیچی کردن، رنگ کردن، تا کردن، مهره بند کردن، بستن بند کفش، نقاشی کردن و باشد.

توجه به نتیجه تحقیقات یاوکی^۱، پلگرینی^۲، سالتر^۳ و همکاران، پدرسون^۴ و همکاران، اسمیت^۵ و داوتون^۶ (۲۰۰۰) نشان می دهد که بین بازی و یادگیری ریاضیات، توانایی زبانی، خواندن و نوشتن، کارکرد شناختی و کنترل تکانه، مهارت تجسمی و مهارت حل مسأله رابطه مثبتی وجود دارد. در سال های اخیر رویکردهای مستقیم به بازی درمانی عمومیت یافته است. ثابت شده است که چنین رویکردهایی در رشد مهارت های حل مسأله و مهارت های اجتماعی کودکان و دیگر راهکارهای انطباقی و سازگارانه شناختی - رفتاری مفید است. یکی از مهم ترین مزایای این رویکرد این است که اهداف و روش های درمانی کاملاً اختصاصی هستند. چنین رویکردی امکان تعیین اهداف درمانی را بطور روشن فراهم می کند. (زارعپور، فلاحی خشکناز، کاشانی نیا، ۱۳۸۸).

به رغم استفاده گسترده از بازی درمانگری در درمان مشکلات کودکان، این شیوه هنوز جایگاه خود را در ایران به دست نیاورده است و کمتر مورد استفاده قرار می گیرد. در محدود پژوهش های انجام شده نیز بازی درمانگری برای آموزش رفتاری خاص یا تغییر برخی رفتارهای جزئی مورد استفاده قرار گرفته است. از این رو این پژوهش در صدد پاسخ به این سؤال است که آیا بازی درمانی در اصلاح عملکرد خواندن، که یکی از مشکلات دوران کودکی است تأثیر دارد؟

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

ضرورت تشخیص مشکلات یادگیری، بویژه نارساخوانی و سپس آموزش و درمان مشخص و مناسب در جهت اصلاح و بهبود آن از جمله مسائلی است که اهمیت و ضرورت تحقیق در این زمینه را دو چندان می کند. از آنجا که ناتوانیهای یادگیری به عملکردهای بسیار پیچیده دستگاههای حسی و حرکتی و روانی و شناختی و چگونگی رشد و پرورش کودک بستگی دارد و هر دانش آموز ممکن است در یک یا چند زمینه درسی ناتوانی داشته باشد، تشخیص دقیق علل آنها دشوار و بهبود آنها نیز غالباً مستلزم به کارگیری تخصصهای گوناگون

¹Yawk

²Plegrini

³Salter

⁴Pederson

⁵Smit

⁶Dawton

است. به دلیل همین ماهیت پیچیده ناتوانیهای یادگیری، هر دانش آموزی که دچار آن است باید به طور جداگانه مورد ارزیابی و تشخیص قرار گیرد و برنامه های بازپروری و بازآموزی انفرادی تدارک دیده شود. نقش کلیدی بهبود بخشی این ناتوانیها باید بر عهده متخصصان علوم تربیتی باشد هرچند فعالیت مشترک سایر تخصصها نیز ضرورت دارد. رفع یا کاهش مشکلات دانش آموزانی که به ناتوانی یادگیری دچارند، علاوه بر رشد عمومی فرهنگی و اجتماعی و بهداشتی جامعه مستلزم تجدید نظر در برنامه ها و روشها و امکانات آموزشی، به کارگیری وسیع تخصصهای علوم تربیتی و روان شناسی و مشاوره در تمام حوزه های آموزشی و پرورشی، به ویژه در دوره آموزش عمومی است. بی توجهی به این مسائل موجب خواهد شد که دانش آموزان بیشتری از گردونه آموزش عمومی به بیرون پرتاب شوند و بیسوادی عمومی ابعاد گسترده تری به خود بگیرد و رشد فرهنگی - اجتماعی کشور را دچار موانع بزرگتری سازد، درحالیکه بیسوادی بزرگسالان تا حدی زمینه ساز ناتوانیهای یادگیری است، شرایط نامناسب آموزشی و پرورشی نیز زمینه دیگری برای افزایش بیسوادی است و هرگاه این دور باطل با تغییر و تحولات همه جانبه تعلیم و تربیت عمومی در هم شکسته نشود امیدی نمی توان داشت که محرومیت فرهنگی و اجتماعی کشور تضعیف و رشد فرهنگی و اجتماعی جایگزین آن گردد. همچنین، اگر قرار باشد برنامه های تربیت معلم همچنان با روشهای قدیمی صورت گیرد و دوره های کارشناسی آموزش و پرورش ابتدائی نیز فاقد درسهای مخصوص کودکان استثنائی و ناتوانیهای یادگیری باشد، نمی توان امیدوار بود که آموزش عمومی در معنای واقعی کلمه در میهن ما تحقق یابد. (لطف آبادی، ۱۳۶۸)

از زمانی که مورگان^۱ (۱۸۹۶) درباره کودکان دارای مشکلات خواندن سخن به میان آورد، تا بحال روشها، مواد، تکنیک ها و علل احتمالی بسیاری در این زمینه مورد بحث قرار گرفته است. (به نقل از والاسو مک لافین^۲، ۱۹۷۹، ترجمه: منشی طوسی، ۱۳۷۳).

بازی یکی از نیازهای طبیعی کودکان است، که برای آنان فواید بسیاری در بردارد. کودکان از دیدگاه کودکانه خود به بازی می نگرند. اما واقعیت این است که بازی در کنار نقاشی، یکی از مهمترین راههای پژوهش درباره کودکان است. کودکان بدون اینکه خود بدانند، هنگام بازی کردن درون خویش را آشکار می سازند، به توسعه مهارتهای مختلف می پردازند، تعارض ها و ناکامی های خود را بازگو می کنند و از رهگذر بازی کردن، رشد می کنند. در حالیکه امروزه برای بسیاری از متخصصان رشد کودک آشکار شده که بازی از جمله عوامل اصلی زندگی کودکان است، چرا بازی کودکان دارای ناتوانی یادگیری نادیده انگاشته شده است؟

تا کنون بازی از جنبه های مختلف و در میان گروههای متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته است. با این وجود، حتی متخصصان رشد کودک نیز چیزهای اندکی درباره بازی کودکان دارای ناتوانی یادگیری می دانند؛ کمبود اطلاعات به فقدان بررسی های به دقت طراحی شده در این زمینه بازمی گردد (روبین^۳، فاین^۴ و وندنبرگ^۵، ۱۹۸۳).

^۱Morgan

^۲Wallace & maclaughlin

^۱Robin

^۲Fine

^۳Wenderberg

همانطور که ذکر شد، مشکلات خواندن، مهمترین عامل عدم موفقیت در مدرسه دانسته شده است (استرانگ^۱، ۱۹۶۹). این مشکلات در واقع ساده ترین نشانه ای است که با کمک آن می توان شکست کودک را در بسیاری از زمینه های تحصیلی پیش بینی کرد. با توجه به اینکه در اکثر مدارس که ویژه دانش آموزان اختلال یادگیری می باشند بیشتر از آموزشهای درسی استفاده می شود و کمتر به امر بازی و فعالیتهای حرکتی این دانش آموزان پرداخته شده است؛ همچنین استفاده از روش بازی درمانی به عنوان یک شیوه نوین در امر اصلاح اختلالات یادگیری و نیز اندک بودن تحقیقات در این زمینه ضرورت بررسی و پژوهش در این مورد را دو چندان می کند.

اهداف اصلی پژوهش

- بررسی تأثیر بازی درمانی در اصلاح عملکرد خواندن در دانش آموزان پسر نارساخوان

اهداف فرعی :

- بررسی تأثیر بازی درمانی در میزان درک متن در دانش آموزان پسر نارساخوان
- بررسی تأثیر بازی درمانی در تشخیص کلمات هم قافیه در دانش آموزان پسر نارساخوان
- بررسی تأثیر بازی درمانی در افزایش درک کلمات در دانش آموزان پسر نارساخوان
- بررسی تأثیر بازی درمانی در اصلاح عملکرد خواندن ناکلمات و شبه کلمات در دانش آموزان پسر نارساخوان
- بررسی تأثیر بازی درمانی در شناسایی آواها در دانش آموزان پسر نارساخوان
- بررسی تأثیر بازی درمانی در توانایی تولید تعداد کلماتی که دارای نشانه حرفی واحد می باشند توسط دانش آموزان پسر نارساخوان
- بررسی تأثیر بازی درمانی در توانایی تولید تعداد کلماتی که از یک مقوله می باشند توسط دانش آموزان پسر نارساخوان

فرضیه اصلی تحقیق

- بازی درمانی در اصلاح عملکرد خواندن در دانش آموزان نارساخوان مؤثر است.

فرضیه های فرعی

- بازی درمانی در میزان درک متن در دانش آموزان پسر نارساخوان مؤثر است.

⁴Strang

- بازی درمانی در تشخیص کلمات هم قافیه در دانش آموزان پسر نارساخوان مؤثر است.
- بازی درمانی در افزایش درک کلمات در دانش آموزان پسر نارساخوان مؤثر است.
- بازی درمانی در اصلاح عملکرد خواندن ناکلمات و شبه کلمات در دانش آموزان پسر نارساخوان مؤثر است.
- بازی درمانی در شناسایی آواها در دانش آموزان پسر نارساخوان مؤثر است.
- بازی درمانی در توانایی تولید تعداد کلماتی که دارای نشانه حرفی واحد می باشند توسط دانش آموزان پسر نارساخوان مؤثر است.
- بازی درمانی در توانایی تولید تعداد کلماتی که از یک مقوله می باشند توسط دانش آموزان پسر نارساخوان مؤثر است.

تعاریف متغیرها

تعاریف نظری :

نارساخوانی: (dyslexia)

اصطلاح « دیسلکسیا » از ترکیب دو کلمه « dys » و « dextros » تشکیل شده است. « dys » به معنای مشکل، دردناک یا نابهنجار است و « dextros » به معنای « کلمه » می باشد. بنابراین، اصطلاح دیسلکسیا به طور دقیق، وجود مشکلات در مورد کلمه ها را نشان می دهد و بدیهی است که به زبان نوشتاری (خواندن، نوشتن، هجی کردن) در تضاد با زبان گفتاری اشاره دارد. این اصطلاح تنها برای توصیف مشکلات کودک به کار می رود و به هیچ وجه آنها را تبیین نمی کند. (دادستان، ۱۳۸۵).

بازی درمانی رفتاری - شناختی

بازی درمانی رفتاری - شناختی مداخله های رفتاری و شناختی را به درون یک الگوی بازی درمانی جذب می کند. فعالیتهای بازی به صورت ارتباط کلامی و غیر کلامی مورد استفاده قرار می گیرد. بازی درمانی رفتاری - شناختی، یک چارچوب نظری مبتنی بر اصول رفتاری شناختی فراهم می کند و این چارچوب این اصول را به لحاظ رشدی با یکدیگر تلفیق می کند. (محمد اسماعیل، ۱۳۸۷).

بهبود و اصلاح عملکرد^۱: عملکرد به نتیجه عمل فرد اشاره می کند که در ارزشیابی از میزان یادگیری مورد استفاده قرار می گیرد و عملکرد محصول یادگیری است (سیف، ۱۳۸۰).

^۱performance

تعاریف عملیاتی

نارساخوانی (دیسلکسی):

در این پژوهش، نارساخوانی متغیری است که بر اساس آزمون خواندن و نارساخوانی نما^۱ و سایر ملاکهای تشخیصی مانند آزمون وکسلر مورد ارزیابی و شناسایی قرار گرفته است.

بازی درمانی رفتاری - شناختی:

بازی درمانی رفتاری شناختی بر درگیری کودک در درمان و نیز مشارکت او از طریق سخن گفتن در مورد موضوعاتی راجع به کنترل، تسلط و مسئولیت برای تغییر رفتار خود، تأکید فراوان دارد. کودک با ترکیب مؤلفه های شناختی^۲ می تواند به یک شرکت کننده فعال در این تغییر بدل گردد (کنل^۳، ۱۹۹۳).

اصلاح عملکرد: در پژوهش حاضر منظور از اصلاح عملکرد خواندن دانش آموزان نارساخوان به وجود آوردن یک تغییر مثبت و معنادار در نمرات دانش آموزانی که تحت بازی درمانی قرار می گیرند می باشد. در بهبود عملکرد تأکید بر توانایی خواندن کلمات با استفاده از آزمون نارساخوانی نما می باشد.

فصل دوم

مقدمه

یادگیری یکی از مهمترین زمینه ها در روانشناسی امروز و در عین حال یکی از مشکل ترین مفاهیم برای تعریف کردن است (هرگنهان^۴ و اُلسون^۵، ۱۹۹۷؛ ترجمه سیف، ۱۳۷۷).
مهمترین یادگیری، فراگیری آموختن است. در نظریه خبرپردازی یادگیری را به عنوان فرایند دریافت محرکهای محیطی به وسیله گیرنده های حسی، گذر این محرکها از حافظه حسی و کوتاه مدت و به روز درآوردن و معنی دار شدن، و نهایتاً قرار گرفتن در حافظه دارز مدت تعریف کرده اند.

^۱نما مخفف اسامی پدید آوورندگان این آزمون می باشد که عبارتند از: دکتر رضا کرمی نوری، دکتر علیرضا مرادی و با همکاری سعید اکبری زردخانه.

^۲Cognitive component

^۳kannel

^۴Heregenhahn

^۵Olson

از طرفی باید گفت «کودکان باید یاد بگیرند که بخوانند برای اینکه بعدها بتوانند بخوانند که یاد بگیرند». بنابراین خواندن، فرایند شگفت آوری است که در آن فعالیتهای شناختی زیادی باید به طور همزمان عمل نمایند. خواندن پیچیده ترین و در عین حال ارزشمندترین کنش ذهنی است و زیربنای یادگیری تحصیلی و سایر مراحل زندگی است (اسمیت، ۱۹۹۱، به نقل از یعقوبی، ۱۳۸۳).

توجه به نتیجه تحقیقات یاوکی، پلگرینی، سالتر و همکاران، پدرسونو همکاران، اسمیت و داوتون (۲۰۰۰) نشان می دهد که بین بازی و یادگیری ریاضیات، توانایی زبانی، خواندن و نوشتن، کارکرد شناختی و کنترل تکانه، مهارت تجسمی و مهارت حل مسأله رابطه مثبتی وجود دارد.

در این فصل به نظریه ها و پژوهشهای مربوط به بازی و بازی درمانی، و سپس اختلالات یادگیری، بویژه نارساخوانی در افراد دارای ناتوانی های یادگیری و روش های اصلاح عملکرد خواندن با تأکید بر روش های بازی درمانی پرداخته شده است و همچنین تحقیق و مطالعه انجام گرفته در خصوص تأثیر بازی درمانی بر عملکرد دانش آموزان دارای مشکل خواندن و نارساخوانی مورد بررسی قرار گرفته است.

بازی

تاریخ روان درمانی کودکان پر است از تلاش برای تقویت امتیازهایی که روان درمانی نام دارد، شناخت اهمیت بازی گام مهمی در مسیر این تلاش است. مفروضه علمی آن است که کودک می تواند از طریق بازی اطلاعات با اهمیتی درباره خود و مشکلاتش بدست آورد. بررسی فرآیند بازی و در نظر گرفتن آن به منزله یکی از فعالیت های انسان بخصوص فعالیت های کودکان از مسائلی است که روان شناسان همواره به آن توجه کرده اند. ولی در عین حال تحول این مفهوم تابع تحول روان شناسی بوده است. در اولین بررسی ها غالباً مسأله بازی با دیدی بزرگسالانه مورد توجه قرار گرفته، یعنی از زوایایی که بزرگسال می تواند درباره وضع و فعالیت های خود و مطابقت خود با بازی بیندیشد (منصور، ۱۳۸۲).

بازی، فعالیت طبیعی دوران کودکی و احتمالاً مؤثرترین وسیله یادگیری است. بازی تمرینی برای زندگی واقعی است و انعطاف کافی را برای سازگاری با وقایع، افراد و موقعیت ها به وجود می آورد، در حالیکه کودک می داند بازی واقعیت نیست اما به شکل های مختلف ابعادی از زندگی واقعی را ظاهر می سازد. بازی امکان تمرین رفتارها را در فضائی امن فراهم می کند و کودک، با مشاهده پیامدهای آن تجربیاتی می آموزد. در بازی به وسیله ایفای نقش و تمرین رفتاری، همدلی در کودک رشد می کند. صحنه های مختلف بازی، امکانات متعددی را برای تمرین و یادگیری فراهم می کند که در شیوه های درمانی دیگر وجود ندارند (کداسون^۱، هاییدی جی^۲ و شفر، چارلز^۳، ۱۹۹۸).

الف: نقش بازی در رشد هوشی و جسمی کودکان

^۱kedason

^۲Haudi J

^۳Charls

یکی از فرضیه های روان شناسی این است که بازی رشد هوش کودک را تسریع می کند. آنچه حائز اهمیت است این است که یادگیری کودکان در مقایسه با تفکر منطقی بیشتر از طریق حواس یا بهتر بگوئیم توسط ادراک حسی صورت می گیرد. از آنجایی که حواس، مبنای فیزیولوژیک دارند ولی می توان گفت رشد ذهنی تا اندازه ای به رشد جسمی بستگی دارد. بازی بهترین مربی کودکان به شمار می رود. ضمن بازی رفتارهای هوشمندانه کودک تقویت می شود. فرصت استفاده از قوه تخیل به وجود می آید و زمینه بهتری برای تفکر فراهم می شود. بازی مهارت های کودکان را در نگاه کردن، انطباق چشم، شناختن اشیاء، درک فاصله ها، فهمیدن مفاهیم مربوط به خود، افزایش می دهد. فعالیتهای کودکان در بازی موجب تقویت عضلات، اعصاب و قلب آنها می شود.

ب: نقش بازی در رشد اجتماعی کودک

بازی موجب ارتباط کودک با محیط بیرون می شود و دنیای اجتماعی او را گسترش می دهد. بازی سبب شکوفایی استعداد های نهفته و بروز خلاقیت می شود، همکاری، همیاری و مشارکت کودک توسعه می یابد، با اصول و مقررات اجتماعی آشنا می شود، همانند سازی با بزرگسالان را می آموزد، با مفهوم سلسله مراتب آشنا شده و آنرا رعایت می کند، رقابت را می آموزد، موفقیت و شکست را به طور واقعی تجربه می کند، قدرت ابراز وجود پیدا می کند و از ترس، کمرویی و خجالت بیهوده رها می شود.

ج: نقش بازی در رشد عاطفی کودک

بازی نیاز به برتری جویی را در کودک ارضا می کند، موجب انعکاس احساسات، عواطف، ترس ها، تردیدها، مهر و محبت، خشم و نگرانی ها می شود، تمایل به جنگجویی و ستیزه گری را در کودکان تعدیل می کند و برون نگری کودک را افزایش می دهد. کودکان در ضمن بازی روش ابراز عواطف مختلف را فرا می گیرند، در نتیجه بهتر می توانند عواطف خویش را کنترل کنند. محبت کودکان نسبت به هم مانع ایجاد اضطراب و ناراحتی در بین آنها می شود. بازی قدرت سازگاری کودکان را در برخورد با مسائل و مشکلات در مراحل رشد افزایش می دهد. شرکت بچه ها در بازی آنها را از حالت رکود و افسردگی نجات می دهد و روح همکاری و اشتراک و رقابت را در آنها به وجود می آورد.

د: نقش بازی در رشد اخلاقی کودکان

بازی یکی از مهم ترین عواملی است که در تربیت اخلاقی کودکان نقش مهمی را ایفا می کند. کودک در حال بازی در می یابد اگر بخواهد فرد قابل قبول و مورد پذیرش گروه هم سن خود باشد باید درستکار، عادل و... باشد. کودک هنگام بازی پی می برد که خوب یا بد بودن یک عمل، چگونه است و دیگران چگونه با او برخورد می کنند. برای مثال در بازی «دزد و پلیس» کودک متوجه می شود کسی که دزد است عمل بدی انجام داده که منجر به تعقیب او به وسیله پلیس شده است و در نهایت با دستگیر شدن و پذیرش تنبیه به زشتی و غیر اخلاقی بودن دزدی صحنه می گذارد و به عدالت اجتماعی رویکرد مثبت پیدا می کند. از طریق بازی می توان نقایص فردی، اخلاقی و شخصیتی را اصلاح کرد. کودکان در ضمن بازی حس برادری، نوع دوستی و برابری را تجربه می کنند و با ارزش ها و هنجارهای جامعه آشنا می شوند (نقی زاده، ۱۳۸۸).

در زیر به ارائه دلایلی چند برای استفاده از روش بازی در مانگري برای اصلاح عملکرد خواندن در کودکان می پردازیم.

بازی ها راهبردی معنی دار و مؤثر برای آموزش و یادگیری هستند. بازی ها دارای تأثیر مثبتی روی دانش آموزان در حوزه های زیر است:

۱. **ارتقاء یادگیری دانش آموزان با یک رویکرد آموزشی ویژه :**
بلاند^۱ (۱۹۹۶) دریافت که بازی ها وسیله ای آموزشی مستقیمی هستند و بر استفاده از آنها برای آموزش دانش آموزان تأکید داشت (لو^۲، ۱۹۹۸؛ به نقل از بورن هید^۳، ۲۰۰۶).
۲. **تشویق دانش آموزان:** متون متعددی وجود دارد که بازی ها را عنصر کلیدی انگیزی دانش آموزان در نظر می گیرند (دراک من^۴، ۱۹۹۵؛ به نقل از مونگیلو^۵، ۲۰۰۶).
۳. **متناسب با سبک های مختلف یادگیری فردی دانش آموزان:** بازی ها با متناسب شدن با سبک های یادگیری فردی دانش آموزان موجب یادگیری بیشتری می شوند. جنبه های معینی از بازی تبدیل به موقعیت یادگیری شخصی می شود که در آن دانش آموز تصمیم گیری میکند و سپس در طی بازی به آن پاسخ می دهد (فرانکلین، پیت و لویس^۶، ۲۰۰۳).
۴. **اجتماعی شدن دانش آموزان:** بازی نقش عمده ای در اجتماعی شدن افراد ایفا می کند که عموماً محیطی غیر تهاجمی و بازی گونه فراهم می کند که در آن دانش آموزان می توانند مهارت های گروهی را یاد بگیرند (سیدنر^۷، ۱۹۷۸؛؛ به نقل از بورن هید، ۲۰۰۶).
۵. **ارتقاء یادگیری فعال:** بازی ها یک رویکرد ابداعی و نو برای ارتقاء علاقه و یادگیری در محیط های آموزشی هستند. به عنوان یک مشارکت کننده فعال، دانش آموز تصمیم گیری می کند، مسائل را حل می کند و به تصمیماتش واکنش نشان می دهد (ولف^۸، ۱۹۸۵؛ به نقل از ماکس ول، مرگن دولر و بلی سیمو^۹، ۲۰۰۴).
۶. **ارتقاء مهارت حل مسأله :** حل مسأله فرآیندی است که فراگیر با استفاده از آن، مجموعه ای از قواعد از پیش آموخته را برای حل موفقیت آمیز یک مسأله در یک موقعیت جدید کشف می کند (مهجور، ۱۳۸۶).
۷. **شناسایی تفاوت های فرهنگی:** بازی ها توانایی عبور از اختلافات فرهنگی را (که در کلاس هاس سنتی زیاد به چشم می خورد) دارند. بازی ها اگر به عنوان یک راهبرد آموزشی مورد استفاده قرار گیرند، می توانند برای گروه های فرهنگی متنوع به کار برده شوند (گری، مارون و بویلز^{۱۰}، ۱۹۹۸، به نقل از لولان^{۱۱}، ۲۰۰۵).

¹Bland,G.G.

²Law,J.E.

³Burenheide.B.J

⁴Decroly,M.

⁵Mongillo,G.

⁶Franklin,S., Peat,M.,& Lewis,A.

⁷Seidner,C.J.

⁸Wolfe,J.

⁹Maxwell,N.L., Mergendoller, Y.,& Bellisimo,J.R.

¹⁰Gary,R., Marrone,S., & Boyles,C.

¹¹Lau Whelan,D.

۸. **دست یابی به بعد عاطفی** : بلاند^۱ (۱۹۹۶) دریافت که چگونه بازی ها در دست یابی به اهداف عاطفی مؤثر هستند. فرض بر این است که بازی ها به دلیل لذت بخش نمودن محیط های آموزشی قادر به دست یابی به چنین مهمی هستند (لو، ۱۹۹۸؛ به نقل از بورن هید، ۲۰۰۶).

ملاکهای بازی

(الف) یکی از این ملاکها این است که بازی را یک فعالیت بی هدف یا «هدف در خود»^۲ بدانیم؛ یعنی فعالیتی که هیچ نوع نفعی برای فرد ندارد. «بالدوین»^۳ اصطلاح اتوتلیسم^۴ را برای بیان فعالیتی که هدف آن در خود است عنوان کرده است.

(ب) «کارل گروس»^۵ دانشمندی که در زمینه بازی بررسی های جالب توجهی دارد و برای اولین بار به جنبه کنشی بازی در بین دیگر فعالیت ها توجه داشته معتقد است که بازی یک نوع پیش تمرین عمومی است، فعالیت یا تمرینی مقدماتی و کمک کننده برای فعالیت هایی که فرد در آتی می خواهد انجام دهد. پس به این ترتیب کودکان خود را ضمن بازی آماده فعالیت های سازش یافته ای خواهند کرد که در آینده ناگزیر خواهند بود آن فعالیت ها را در زندگی داشته باشند. اما این ملاک قانع کننده نیست چون اگر این ملاک را بپذیریم تمام کنش های ذهنی را به صورت فرآیندی می توانیم بدانیم که قسمتی از آن بازی است و بعد این فرآیند تغییر شکل حاصل می کند. در حالی که خوب می دانیم بسیاری از آثار بازی های کودکانه حتی در بزرگسالان باقی می ماند و بزرگسالان هم نسبت به بازی رغبت و علاقه دارند. پس صحیح نیست بگوئیم قسمتی از یک فرآیند برای بازی شکل می گیرد و قسمتهای بعدی آن برای کنش یا کنش های دیگر.

(ج) ملاک دیگر بازی را یک فعالیت ارتجالی یا خودجوش می داند که در فرد از آغاز زندگی وجود دارد و در طول زندگی به شکل ارتجالی باقی می ماند. پذیرفتن چنین ملاکی خالی از اشکال نیست زیرا بسیاری از فعالیت های کودکان بخصوص با اطلاعاتی که از نظام های گوناگون داریم جنبه ارتجالی، خودجوش یا خود به خودی دارند، بی آنکه جنبه بازی به خود بگیرند؛ پس چنین ملاکی نمی تواند بازی را از فعالیت های دیگر متمایز سازد.

(د) «کارل بوهر»^۶ اصل لذت را به عنوان ملاک بازی می پذیرد. اصل لذت در مقابل اصل واقعیت، یعنی همان دو اصلی که فروید عنوان کرده است. کودک ابتدا در طول تحول از اصل لذت پیروی می کند و بعدها از اصل واقعیت تبعیت می نماید بدون اینکه اصل لذت واقعاً از بین برود. قبول کردن این نکته که

¹ Bland

² Autotelic

³ Baldwin, J.M.

⁴ Autotelism

⁵ Gross, K

⁶ Buhler, K.